



جیسون دمارس  
خدمت حقیقت حاضر  
نوامبر ۲۰۱۹

## عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است. عبرانیان ۸:۱۳

در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، هر سه ماه یکبار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسئولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر در بهار سال ۲۰۱۶ آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعالیم برادر برانهام و نشان دادن واضح آن تعالیم می‌باشد. این مسئولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه نوامبر، سه موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. شنا کردن زنان و مردان با هم
۲. جایگاه زن
۳. گام برداشتن فردی

## شنا کردن زنان و مردان با هم

اگر شما یک محقق پیغام هستید، احتمالاً آگاه هستید که برادر برانهام در مورد «استخر مختلط» صحبت کرده است. این اصطلاحی است که برای توصیف شنای زنان و مردان در مکان‌های عمومی استفاده شده است. می‌خواهم به چند نقل قول از برادر برانهام در این مورد نگاهی بیندازم و سپس به تفصیل آن را در کل تفکر کتاب مقدس مرور کنم.

"۱۸۲. زنی را دیدم که باید مسیحی می‌بود، او آنجا بر روی یک آفتاب‌گیر ساحلی دراز کشیده بود، او در استخر مختلط بود با لباس شنا دراز کشیده بود. من دو دختر دارم. نمی‌گویم که آنها این کار را نمی‌کنند. آنها می‌گویند که در حال آفتاب گرفتن هستند. اگر آن زمان زنده باشم، آنها فرزند خواهند آورد. ثمر آن یک پسر است. می‌بینید؟ پسر آقای برانهام با تخته چوبی به این اندازه تنبیه خواهد شد. باور دارم این کار اشتباه است."<sup>۱</sup>

در این نقل قول برادر برانهام در مورد زنی صحبت می‌کند که ادعای مسیحی بودن دارد؛ او در مکانی عمومی در میان مردانی است که لباس شنا بر تن دارند. در این برهه‌ی زمانی در تاریخ، لباس شنا می‌توانست یک تکه یا دو تکه باشد. این لباس، بسیار تنگ و بدن‌نما بود. البته نه به اندازه‌ی لباس‌های امروزی، با این حال بسیار اندام بدن را آشکار می‌ساختند. این یک لباس شنا در مکانی عمومی است که مردان و زنان با هم شنا می‌کردند.

"هر سالن رقص، موهایشان را کوتاه می‌کنند، مانند دلکک‌ها آرایش می‌کنند، مردان با همسر دیگری زندگی می‌کند، در خیابان با او لاس می‌زند، استخر مختلط و هر

---

<sup>۱</sup> ۱۲۱E-۰۶۲، عروسی بره، برادر ویلیام ماریون برانهام

چیز دیگر. آنها می‌بخشند، آنها گناهان را به روش خودشان می‌آمرزند، اما میوه‌هایشان نشان دهنده‌ی ماهیت آن است. این کار آنها درست نیست. نه، آقا! آنها چه می‌کنند؟ آنها شلوارک می‌پوشند، موهایشان را کوتاه می‌کنند، آرایش می‌کنند. عیسی گفت: «از میوه‌شان شناخته خواهند شد» اینکه چه نوع دانه‌ای هستند. دانه فرقه‌ای، بخشش فرقه‌ای می‌دهد. دقیقاً همین است.<sup>۲</sup>

در نقل قول بالا ما شنای مختلط را در دسته‌ی گناهی قرار دادیم که بطور واضح توسط اکثریت مسیحیان فرقه‌ای مجاز شناخته می‌شود.

"در گذشته رفتن زنان پنطیکاستی با لباس شنا به استخر مختلط اشتباه تلقی می‌شد. اما دیگر این طور نیست، می‌بینید."<sup>۳</sup>

در اینجا برادر برانهام گلايه می‌کند که پنطیکاستی‌ها در گذشته دارای استاندارد بالاتری بودند و آن را موعظه می‌کردند. زمانی که شما شنای مختلط را جستجو می‌کنید هفت مورد از آن وجود دارد، و پنج مورد از آنها در فهرست گناهان قرار دارد. در دو مورد به لباس شنا مرتبط است. دو مورد از سه موردی که در بالا اشاره کردیم، ارتباط با لباس شنا مهم است. دلیلش هم پوشیدن لباسی وقیحانه در مکانی عمومی است، جایی که دیگران نیز وقیحانه لباس پوشیده‌اند. خدا به وضوح در کتاب مقدس دستور به نجابت داده است:

"و همچنین زنان خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گرانها؛" اول تیموتائوس ۹:۲

---

<sup>۲</sup> ۶۳-۰۱۱۸، کلام گفته شده در بذر اصلی، برادر ویلیام ماریون برانهام  
<sup>۳</sup> ۶۳-۱۱۱۷، یک بار دیگر، برادر ویلیام ماریون برانهام

این امری واضح است که پولس دارد زنان را به پوشیدن لباسی نجیبانه تشویق می‌کند. زمانی که لباس شنا پوشیده‌اید، نجابت غیرممکن است. سپس او می‌نویسد که باید مزین به حیا و پرهیز باشد. حیا به شرم یا نگه داشتن حرمت اشاره دارد. رویکرد شما به لباس پوشیدن باید همراه با حیا باشد، نه پوشیدن لباسی که بدنتان را برای دیگران آشکار می‌سازد، بلکه باید لباسی باشد که بدن را می‌پوشاند. دوماً، از نحوه‌ی پوشیدن لباس سخن می‌گویید که احترام به خدا است. پرهیز به یک ذهن سالم اشاره دارد. این بدین معناست که شما درمورد نحوه‌ی لباس پوشیدنتان فکر و دعا کرده‌اید. شما صرفاً پیرو مُد و روند کلی دنیا نیستید. بلکه شما آنچه را که کتاب مقدس درمورد لباس پوشیدن تعلیم می‌دهد، در نظر می‌گیرید. در مطالعه‌ای دیگر نشان دادیم که کتاب مقدس به یک زن فرمان می‌دهد که جامه یا دامن بر تن کند، نه شلوار. و در کتاب مقدس یافته‌ایم که زن باید از گردن تا پایین زانو پوشیده باشد. از آنجا که فرمان نجابت داده شده است، بنابراین پیراهن‌ها و دامن‌های تنگ نیز مجاز نیستند. این به وضوح لباس شنا یا بیکنی را مردود می‌سازد.

می‌خواهم چند نظر دیگر را در این مورد ارائه دهم. هم اکنون شرکت‌هایی وجود دارند که در زمینه‌ی ساخت لباس‌های نجیبانه تخصص دارند و لباس‌های ورزش و شنای نجیبانه ارائه می‌دهند. این فوق‌العاده است، اما دیدگاه مناسب باید اعمال شود. فقط چون شما شخصی باحیا هستید، به این معنی نیست که افراد اطراف شما نیز همین‌طور هستند. اگر شما در میان گروهی از مردم هستید و آنها با الگوی دنیوی لباس پوشیده‌اند، آنگاه شما باید از آن مکان دوری کنید یا از شنا کردن در مکان‌های عمومی پرهیز کنید. یک موقعیت می‌تواند زمانی باشد که شما در یک ساحل عمومی هستید، اما افراد بسیار کمی در آنجا بصورت پراکنده هستند. اگر شما با خانواده‌تان بروید و همه به نحوی نجیبانه لباس پوشیده باشند و شما می‌توانید با فاصله زیاد از دیگران شنا کنید، اگر قلبتان شما را محکوم نمی‌کند، مشکلی ندارد. از این نصیحت سوءاستفاده

نکنید و نگویید: "خوب، الان می توانم در مکان عمومی شنا کنم، مشکلی نیست." این چیزی نیست که در حال توضیح دادنش هستم. اگر جشن شنا در کلیسا برقرار شود، جایی که زنان و مردان با هم شنا کنند، هرچند که لباسی نجیبانه بر تن کنند، این نیز مجاز نیست. یک نکته‌ی جانبی را نیز بگویم، برادر برانهام به مردان دستور داد که شلوارک نپوشند. بنابراین، شما نباید شلوارک شنا بپوشید، مگر این که زیر آنها یک شلوار پوشیده باشید.

هدف از اینها ایجاد قوانین جدید نیست، بلکه بنا کردن استانداردی کتاب مقدسی از رفتار و سلوک است. با این حال، در این استاندارد نیز شما باید از هدایت روح القدس پیروی کنید. این بدان معنا نیست که خدا شما را به پوشیدن بیکیفی یا یک لباس شنا در مکان عمومی هدایت می کند، چون این مغایر کلامش خواهد بود و روح القدس هرگز ما را به انجام کاری هدایت نمی کند که مغایر کلام اوست. نکته این است که موقعیت‌های بسیاری وجود دارند که باید از برخی از آنها دوری کنید. ممکن است فکر کنید دیگران مشکلی ندارند. مسأله، پیروی کردن از چارچوب کلی است که برادر برانهام در ترس و محبت خدا به ما داده است.

## جایگاه زن

در عصر لائودیکیه که حقوق مردم کاملاً حاکم است، خود عبارت «جایگاه زن» باعث سیخ شدن موی بدن و بیرون آمدن دندان نیش می شود. یک جایگاه کتاب مقدسی برای زن وجود دارد و این جایگاه بعنوان یک رئیس جمهور، شبان یا نیروی پلیس نیست. جایگاه زن بعنوان مدیر خانه، مادر فرزندان، مربی قلوب، محافظ عدالت و ابزاری در دست خدا برای پیشگیری مردان است، تا آنها تبدیل به هیولا

نشوند. در بسیاری از فرهنگ‌ها که جایگاه زن هنوز در خانه است، او یاد گرفته است که بخاطر اهداف شوم و خودخواهانه‌اش از تأثیر خود به منظور اغوا و کنترل ذهن مرد استفاده کند. با این حال، تأثیر او بر مرد نباید انکار شود و خداست که این را مقرر کرده است. تأثیر زن در چندین متن کتاب مقدس وجود دارد:

"ای زنان! شوهران خود را اطاعت کنید، چنان‌که خداوند را." افسسیان ۵:۲۲

"خلاصه هریکی از شما نیز زن خود را مثل نفس خود محبت بنماید و زن شوهر خود را باید احترام نمود." افسسیان ۵:۳۳

تأثیر زن در رهبری نیست، بلکه در اطاعت و احترام به شوهرش است. اطاعت و احترام باید انجام شود، چه شوهر لایق آن باشد، چه نباشد. این اشتباه است که فکر کنیم ما می‌توانیم در معامله‌ای ۵۰-۵۰ هرکدام وظایف خود را انجام دهیم و بگوییم اگر او تا این حد پیش برود، من نیز تا این حد پیش می‌روم. هرکدام از ما باید شادی و ارزش خود را از مسیح دریافت کنیم. ما همسر خود را بسان خود دوست داریم، چه آنها لایق آن باشند، چه نه. او زن شماس است و خدا شما را خوانده است او را دوست داشته باشید، چنان‌که خود را دوست دارید. شما از شوهر خود اطاعت کرده و به او احترام می‌گذارید، صرف‌نظر شایستگی او، چون زمانی که این کار را می‌کنید، از خدا اطاعت کرده‌اید. مرد تفاوتی میان محبت و احترام نمی‌بیند. آنها از نظر او یک چیز هستند. زن نخست محبت را می‌بیند. زن و شوهر توسط خدا مقرر شده‌اند تا هدف و رویایی واحد برای زندگی مشترکشان داشته باشند. به این ترتیب آنها در هر تصمیمی با یکدیگر صحبت کرده و دعا می‌کنند.

یک مثال عالی از این تأثیر به شما می‌دهم: اخیراً، زمانی که در سفر خدمتی بودم، مورد حمله شیطان قرار گرفتم. از آنجا که در مکان خطرناکی بودم، حس کردم که

می‌خواهم به سفر پایان دهم و بلافاصله به خانه برگردم. با همسر امی در مورد شرایطی که در آن بودم و کاری که قصد انجامش را داشتم، صحبت کردم. امی به من نگفت چه کنم. با این حال، چون ما دارای یک رویای مشترک هستیم، او گفت: "آیا برای تصمیمت دعا کرده‌ای؟ شاید اگر زمانی را برای دعا و استراحت اختصاص بدهی، تصمیم دیگری خواهی گرفت." قطعاً، آن کارها را انجام دادم و تصمیم دیگری گرفتم.

"همچنین ای زنان! شوهران خود را اطاعت نمایید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان، ایشان را بدون کلام دریابد، چونکه سیرت طاهر و خداترس شما را بینند." اول پطرس ۳:۱-۲

پطرس تأثیر زنی را نشان می‌دهد که مطیع شوهرش است. زن بواسطه‌ی سیرت طاهر و خداترس می‌تواند شوهرش را نزد مسیح دریابد. زنی که مسیحی شده و شوهر او بت پرست است، از طریق زندگی تبدیل یافته‌اش شوهرش را برای مسیح صید می‌کند. برای انجام این کار نیاز به تعمید حقیقی روح‌القدس به همراه محبت جاری خدا از شماس است. بدین وسیله یک زن باید محافظ عدالت ملت باشد. زمانی که زنان اهدافشان را در خانواده محقق می‌سازند، آنها به معنای واقعی دنیا را برای عیسی مسیح تغییر می‌دهند. او خواندگی‌اش از جانب خدا را جدی می‌گیرد، از خانه‌اش، فرزندان و شوهرش مراقبت می‌کند. او زمانی را برای تعلیم کتاب‌مقدس به فرزندان اختصاص می‌دهد و ایمان و دعا را به آنها تعلیم می‌دهد. این کار حیاتی ماوراءالطبیعه و پر قدرت را وارد خانه می‌کند.

"تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهردوست و فرزنددوست باشند، و خرداندیش و عقیفه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود، که مبدا کلام خدا متهم شود." تیطس ۲:۴-۵

این چیزی است که پولس به تیطس سپرد تا به زنان مسن تعلیم دهد و برای زنان جوان تر انجام دهند. به ایشان تعلیم بده پرهیزکار باشند، یعنی خرداندیش، محتاط و معقول. محتاط بودن به معنای نجابت یا خویشتن داری است. عقیفه بودن به معنای پاک و خالص بودن است. آنها باید در پاکی و نجابت رفتار کرده و لباس بپوشند. خانه نشین به معنای یک خانه دار خوب بودن و رغبت به ماندن در خانه است، تا به کارهای خانه برسد. سپس می گوید که آنها باید مطیع شوهران خود باشند، مبدا کلام خدا متهم شود. بنابراین بواسطه‌ی ناطاعتی زن از شوهرش کلام خدا می تواند به معنای واقعی کلمه متهم شود. در اینجا منظور شرایطی است که کاملاً از دست خارج شده و زن بواسطه‌ی رفتار و اعمال از شوهر خود ناطاعتی می کند. شوهران توسط محبت، کاریزما (کمتر فکر کردن در مورد خود و بیشتر فکر کردن به دیگران)، از خود گذشتگی، مهربانی، لطافت، مبنایی اخلاق محور و صادقانه، مهیا کردن (دیدن و برطرف کردن نیاز)، خرد و شخصیت هدایت می شوند.

"پس رأی من این است که زنان جوان نکاح شوند و اولاد بزیابند و کدبانو شوند و خصم را مجال مذمت ندهند؛" اول تیموتائوس ۱۴:۵

عبارت «کدبانو شوند» بسیار جالب است. این عبارت در زبان یونانی یک کلمه، «اویکودسپوتو» است و به معنای، «سر (یعنی مدیر)» خانواده بودن است. ما نمی توانیم این را از اول قرن تیان ۳:۱۱ جدا کنیم که می گوید مرد سر زن است. بواسطه‌ی این آیه زن ناگهان سر مرد نمی شود. زن در امور خانه و هر آنچه در آن است، باید سر و حاکم باشد. او مدیر خانه است. شوهر سر زن در تمام امور است. او باید ناظر تمام این روند باشد. مادر باید خانه و فرزندان را رهبری و مدیریت کند. زن باید ناظر مدیریت اهل خانه باشد. شوهر باید ناظر همسرش باشد و اطمینان حاصل کند که او چیزهای مورد نیاز برای مدیریت خانه را در اختیار داشته باشد. همه‌ی خانواده‌ها مسائل را به این شیوه



انجام نمی‌دهند و موردی ندارد. این یک نمونه است: شوهر بر مسائل مالی خانواده نظارت می‌کند. او قبوض خانه را پرداخت می‌کند و تمهیدات بلند مدتی را در پس انداز، بازنشستگی، اهداف آینده و غیره اعمال می‌کند. سپس او بودجه‌ای را برای مدیریت کارهای دیگر خانه به همسرش می‌دهد؛ چیزهایی از قبیل غذا، دکوراسیون، لباس و تحصیلات. در عین حال، مرد باید آماده باشد تا به همسرش در خانه خدمت کند. درست مانند برادر برانهام، زمانی که او دید همسرش تحت چه استرسی قرار داشت، پیش‌بند بست و شروع به شستن ظروف کرد، تا نیاز خانواده برطرف شود. شوهر خانواده را روزانه در خواندن، پرستش و دعا رهبری می‌کند. همسر روزانه دروس پارسی، حفظ کردن آیات کتاب مقدس و وظایفشان در خانه را به فرزندان تعلیم می‌دهد.

زن می‌تواند در جلسه‌ی یکشنبه کلیسا تعلیم دهد و به زنان مسن‌تر فرمان داده شده تا زنان جوان‌تر را تعلیم (نه موعظه) دهند. یک زن می‌تواند در کلیسا سرودهای ویژه‌ای بخواند، نه عطیه ذکر شده در اول قرن‌تین باب ۱۲ را انجام دهد، اما نمی‌تواند در جایگاه رهبری کلیسا یا موعظه قرار گیرد.

"امور دفاعی و تأمین مایحتاج به زن مربوط نمی‌شود. جای زن در خانه کنار فرزندان است. و زمانی که او... حال اگر شوهر او مریض است و او مجبور است سر کار برود، این فرق می‌کند. اما جای زن در خانه، در آشپزخانه است و زمانی که آنجا را ترک می‌کند، از جایگاه خود بیرون رفته است. دقیقاً درست است."<sup>۴</sup>

---

<sup>۴</sup> ۵۷-۰۷۳۷، او باید از این راه گذر می‌کرد، برادر ویلیام ماریون برانهام

## گام برداشتن فردی

"۷۸. و می‌خواهم توجه کنید که دانیال چطور زمانی که هنوز یک بیگانه محسوب می‌شد از قومش، کلیسایش، بیرون انداخته شد، او هیچ جلسه یا کلیسایی را نداشت که در آن شرکت کند، هیچ سرودی جز آنچه برای خود سراییده بود وجود نداشت که بخواند، در میان تمام این چیزها او به آنچه آن نبی گفته بود، وفادار ماند. آمین! آمین!

۷۹. نه کلیسایی برای رفتن، نه کسی برای مشارکت؛ همه به معابد بت‌پرستان رفتند، همه بت‌ها را پرستش کردند. نه سرود مسیحی‌ای؛ هیچ کس به آنچه او ایمان داشت، باور نداشت. و در طول شصت و هشت سال، از زمانی که او پسری دوازده ساله، چهارده ساله بود، زمانی که او را به آن پایین بردند به خدا وفادار ماند و بواسطه‌ی ارمیای نبی دریافت که وقت آن ایام تقریباً فرارسیده است."<sup>۵</sup>

این برادر برانهام است که در مورد شهادت فوق‌العاده‌ی دانیال نبی صحبت می‌کند. او در جای دیگری در ادامه این سخنان می‌گوید که دانیال تعمیم روح‌القدس یا خون عیسی مسیح را نداشت. می‌خواهم این نقل قول‌ها را عنوان مبنای این بخش قرار دهم. حال، من تشویق به ترک کلیسا و خانه‌نشینی نمی‌کنم. در واقع، چنان که نزدیک شدن روز مقرر را می‌بینیم باید بیشتر دور هم گرد آییم. چیزی که می‌خواهم به آن تأکید کنم این است که گام و قدمی که برمی‌داریم مسئله‌ای گروهی، یا گام کلیسایی نیست. گام برداشتن فردی ماست، فقط بین ما و خدا.

"۱۱۳. برای همه‌ی ایمانداران چنین است، آنها اهل سلوک هستند. مردم نمی‌فهمند، چون در دنیایی برای خود زندگی می‌کنند. عیسی در دنیایی زندگی می‌کرد

---

<sup>۵</sup> M<sup>o</sup> ۷۳۰-۶۱، فرامین جبرئیل به دانیال، برادر ویلیام ماریون برانهام

که دست کسی به آن نمی‌رسید. شاگردان نمی‌توانستند او را درک کنند. وقتی او با آنها صحبت کرد، آنها این را گفتند. و سپس آنها گفتند: «چرا، به مثل‌ها سخن می‌گویی! ما این را درک نمی‌کنیم. این چطور ممکن است؟» می‌بینید، آنها در دنیایی نبودند که او در آن زندگی می‌کرد. می‌بینید، آنها نمی‌توانستند او را درک کنند، هیچ‌کس نمی‌توانست او را درک کند.

۱۱۴. و به این ترتیب وقتی شخصی به ایمان زیست می‌کند و به ایمان گام برمی‌دارد، منظوم ایمان حقیقی است، او از تمام دنیا جدا می‌شود و در مسیح خلقتی تازه می‌شود. در اینجا وارد تعالیم مربوط به عروس شدید. می‌بینید؟ می‌بینید؟ می‌بینید؟ اکنون در حال ورود به شرایط ربودگی هستید. این بدان معناست که هرکدام از ما، مردم عوام به تنهایی با خدا در این دنیا گام برمی‌دارد؛ نه فقط شبانان، شماسان و معتمدین. شما بواسطه‌ی تعمید وارد این ملکوت شده‌اید و کسی جز شما و خدا در آنجا نیست. می‌بینید؟ او فرامین را می‌دهد و شما آنها را اجرا می‌کنید. هرچه که او بگوید، هیچ جای شکی وجود ندارد، شما بلافاصله قدم برمی‌دارید.<sup>۶</sup>

او در اینجا به ما می‌گوید که ایمان کامل چیست و عروس چیست، بعنوان مثال، خصوصیات عروس مسیح بودن. او می‌گوید: "... هرکدام از ما، مردم عوام به تنهایی با خدا در این دنیا گام برمی‌دارد." این ویژگی هر عضو عروس مسیح است. آنها صرفاً در یک کلیسای خوب که کتاب مقدس نیکو تعلیم داده می‌شود، راه نمی‌روند. خصوصیت و ویژگی آنها با داشتن بهترین شبان یا متعادل‌ترین کلیسا مشخص نمی‌شود. آنها بواسطه‌ی رابطه‌شان با خدا شناخته می‌شوند که باعث می‌شود آنها برای این دنیا یک سر باشند و زمانی که با خدا راه می‌روند، چنان است که گویی در یک دنیا تنها با او راه می‌روند. او حتی در مورد فردی می‌گوید که "... از کل دنیا جدا شده و تبدیل به خلقتی

---

<sup>۶</sup> ۶۳-۰۸۲۵E، ایمان کامل، برادر ویلیام ماریون برانهام

جدید در مسیح می‌شود." خدا را نخوانده تا پیرو گروه، شبانان ارشد پیغام باشیم. هیچ موردی در شبانان وجود ندارد، شما باید یک شبان داشته باشید؛ کلیساها مشکلی ندارند، باید یک کلیسا بروید؛ اما این حد قدم و گام شما نیست. شبان و کلیسا به شما کمک می‌کنند تا گام بردارید... "در دنیایی تنها با خدا."

"۲۹۷. این رابطه‌ای شخصی و فردی با یک شخص است، برای اشخاصی که مسیح بر آنها آشکار کرده است.

و اگر شما می‌گویید: "او بر من مکشوف شده است" و سپس حیاتی که مسیح در این کتاب مقدس تولید کرد، همان حیاتی که در او بود، خود را در شما تولید نکند؛ پس شما مکاشفه‌ی اشتباهی داشته‌اید."<sup>۷</sup>

دانیال به تنهایی با خدا راه رفت. او در جایی بود که هر روز کنیسه در دسترسش نبود. او معبد، کاهنین و حتی پادشاه پارسا نداشت. او برای یک پادشاه بت‌پرست در پادشاهی‌ای بت‌پرستانه کار می‌کرد، و تنها ایماندار آن اطراف بود. ما درمی‌یابیم که او روزی سه بار دعا می‌کرد و حاضر نبود هرگز این کار را کنار بگذارد، حتی اگر این کار برایش به معنای حکم مرگ بود. او زندگی در دعا و رابطه‌اش با خدای متعال را به بصورت فردی و تنها داشت. با وجود اینکه همه‌ی کسانی که اطرافش بودند، مخالف او بودند؛ دانیال به ایمانش به خدا وفادار ماند. اگر امروز کلیسای خود را ترک کنید و به کشوری بت‌پرست بروید، جایی که شما تنها ایمان‌دار هستید، چه می‌کنید؟ چطور زندگی خواهید کرد؟ در آن لحظه این مسئله به راستی فردی می‌شود. به چه کسی تبدیل خواهید شد؟ یا اینکه تنها باقی‌مانده و برای دنیایی که در آن زندگی می‌کنید یک سر باقی می‌مانید، تنها و همراه خدا "... او فرامین را می‌دهد و شما آنها را اجرا می‌کنید."

---

<sup>۷</sup> ۶۳-۰۷۲۸، مسیح سر آشکار شده‌ی خداست، برادر ویلیام ماریون برانهام